

## عبودیت و عبادت در سیره رفتاری اصحاب امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی\*

### اشاره

دو واژه «عبودیت» و «عبادت» در فرهنگ دینی ما از کاربرد زیاد و اهمیت بسزایی برخوردارند. برای فهم دقیق تر آنها، لازم است به ریشه اصلی شان یعنی «عبد» توجه بیشتری شود. «نهایت تذلل و فروتنی در برابر مولا، همراه با اطاعت» معنای دقیقی است که برای «عبد» ارائه شده است.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر «فروتنی کامل در برابر مولا» را می توان معنای اصلی دانست؛ «اطاعت» نیز علامت فروتنی و کاشف از آن است؛ در نتیجه عبودیت که معنای صفتی (حالت درونی) دارد را به «تذلل کامل در برابر مولا» معنا می کنیم؛ عبادت را نیز که معنایی فعلی و عملی دارد، «کاشف از عبودیت و نشانه آن» می دانیم.

گرچه لازم است «عبودیت» گاهی در قالب عبادت محقق شود، منحصر به آن نیست و زیر مجموعه های دیگری هم دارد؛ برای مثال در ماه مبارک رمضان، عبودیت و عبد واقعی بودن یک مسلمان سالم، در قالب روزه گرفتن محقق می شود؛ اما عبودیت مسلمان مریض، در روزه نگرفتن است؛ چراکه هر دو در حال اطاعت از مولا هستند.

در ماه عزای حسینی شایسته است ضمن شناخت معنای دقیق عبودیت و عبادت و پیوند ناگسستنی این دو، با نگاهی به معارف دینی مربوط به این موضوع و الهام گرفتن از سیره رفتاری سیدالشهدا علیه السلام و یاران بی مانندش، گام های جدی تری برای رسیدن به مقام منیع و بی بدیل «عبد بودن» برداریم.

\* نویسنده و استاد سطح عالی حوزه علمیه قم.

۱. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۲.

## عبودیت، والاترین فضیلت

برای پی بردن به فضیلت عبودیت همین بس که قرآن کریم برترین انسان‌ها یعنی رسول خدا ﷺ را در آیات متعددی با همین وصف معرفی می‌کند: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ...»<sup>۱</sup> و اگر درباره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده ایم، شک و تردید دارید، [دست‌کم] یک سوره همانند آن بیاورید». خداوند می‌توانست در این آیه و شش آیه دیگر،<sup>۲</sup> وصف دیگری مانند نبی و رسول برای پیامبر اعظم ﷺ استفاده کند؛ اما با آوردن این ویژگی، در پی معرفی والاترین اوصاف ایشان بودند تا همگان بدانند مدال عبدبودن، مدالی بی‌بدیل است. درباره دیگر پیامبران نیز می‌بینیم بیشترین صفتی که در قرآن کریم برای آنان ذکر شده است (دست‌کم در نه مورد)، عبودیت آنان است؛ از جمله درباره جناب عیسی مسیح عليه السلام از قول خود ایشان نقل می‌کند: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»<sup>۳</sup> عیسی گفت: من بنده خدایم؛ او کتاب [آسمانی] به من داده و مرا پیامبر قرار داده است».

امیر مؤمنان عليه السلام نیز افزون بر جمله معروف «كَفَى لِي فَخْرًا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا»<sup>۴</sup> در خطبه بصره، نخستین ویژگی خود را عبدبودن در پیشگاه الهی معرفی نمودند: «أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَأَنَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ وَالْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ لَا يَقُولُهُ غَيْرِي إِلَّا كَذَابٌ»<sup>۵</sup> من بنده خدا و برادر رسول خدایم و من صدیق اکبر و فاروق اعظم هستم. هر کس بعد از من چنین ادعایی کند، کذاب است».

درواقع نقش ویژه عبودیت در زندگی اولیای الهی به اندازه‌ای جدی است که به افضل پیامبران عليهم السلام دستور می‌دهد تا لحظه مرگ در خط عبودیت و بندگی حرکت کند: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»<sup>۶</sup> و عبودیت پروردگارت را ادامه بده تا یقین [مرگ] تو فرا برسد».

## پیوند عبادت و عبودیت در روایات

در ضمن حدیثی طولانی از امیر مؤمنان عليه السلام درباره گفتگوهای پیامبر اعظم عليه السلام با خداوند متعال

۱. بقره: ۲۳.

۲. اِسْرَاء: ۱؛ کهف: ۱؛ فرقان: ۱؛ جن: ۱۹؛ انفال: ۴۱؛ حدید: ۹.

۳. مریم: ۳۰؛ نیز رک به: ص: ۱۷، ۳۰، ۴۱ و ۴۵؛ مریم: ۲؛ اِسْرَاء: ۳؛ تحریم: ۱۰؛ کهف: ۶۵.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۱۰۴.

۵. همان.

۶. حجر: ۹۹؛ نیز رک به: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۹۵.

در شب معراج، چنین می خوانیم:

يَا أَحْمَدُ هَلْ تَدْرِي مَتَى يَكُونُ لِي الْعَبْدُ عَابِدًا قَالَ لَا يَا رَبِّ قَالَ إِذَا اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعُ  
خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَصَمْتُ يَكْفُهُ عَمَّا لَا يَعْنِيهِ وَخَوْفٌ يَزِدُّهُ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ  
بُكَائِهِ وَحَيَاءٌ يَسْتَحِي مَنِّي فِي الْخَلَاءِ وَأَكْلٌ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ وَيَنْعُصُ الدُّنْيَا لِبُعْضِي لَهَا وَ  
يَحِبُّ الْأَخْيَارَ لِحُبِّي إِيَّاهُمْ<sup>۱</sup>

ای احمد، آیا می دانی بنده من چه وقت عابد به حساب می آید؟ عرض کرد: نه. فرمود:  
وقتی که هفت خصلت در او جمع شود: ۱. ورعی که او را از حرام‌ها باز دارد؛ ۲. و  
سکوتی که او را از سخنان بیهوده نگاه دارد؛ ۳. و ترسی که هر روز بر گریه‌اش بیفزاید؛  
۴. و حیایی که او را در نهان از من شرمنده سازد؛ ۵. و به اندازه رفع گرسنگی غذا  
بخورد؛ ۶. و دنیا را دشمن می دارد، چون من دنیا را دشمن می دارم؛ ۷. و خوبان را  
دوست می دارد، چون من آنها را دوست می دارم».

این حدیث قدسی میان عبدبودن و عابدبودن پیوندی جدی برقرار کرده است و با نام بردن از هفت  
ویژگی مهم، عبادت واقعی را عبادتی معرفی کرده است که اثر آن در زندگی عابد نمایان شود.  
اکنون به توضیح مختصر هر کدام از آنها می پردازیم.

## ۱. ورع

ورع که بالاترین مرحله تقواست، نخستین علامت عبادت واقعی و کاشف از عبودیت عبد است.  
در این باره به ذکر داستان عبرت آموزی از دوران صدر اسلام بسنده می کنیم:  
یکی از اصحاب پیامبر، این جمله را زیاد می گفت: «قَالَ الرَّاعِي: فَأَيَّنَ اللَّهُ: چوپان گفت خدا  
کجاست؟». به او گفتند: چرا این جمله را تکرار می کنی؟ گفت: قصه ای دارد: با دوستانم در  
اطراف مدینه برای تفریح رفته بودیم؛ وقتی سفره انداختیم تا غذا بخوریم، چوپانی را دیدیم که  
تعدادی گوسفند را می چراند. به او گفتیم: تو هم بیا با ما غذا بخور. گفت: روزه ام. گفتیم: در این  
گرمای، چرا روزه مستحبی گرفتی؟ آن هم در این بیابان و در حال چراندن گله؟ گفت: می خواهم از  
این روزهای محدود عمرم کمال استفاده را بکنم (چون معلوم نیست در آینده زنده باشم). آن  
صحابی پیامبر برای اینکه میزان تقوای او را بسنجد که این چوپان تا چه اندازه به مقام عبودیت  
رسیده، به او گفت: یکی از این گوسفندها را به ما بده تا بکشیم و کباب کنیم. پولش را به تو

۱. حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۲۰۵.

می‌دهیم و بخشی از گوشتش را نیز در اختیار قرار می‌دهیم تا موقع افطار از آن بخوری. چوپان گفت: نمی‌شود، من مالک اینها نیستم؛ من فقط چوپان هستم. آن صحابی راه قانع کردن مالک را به او نشان داد و گفت: به مالک گوسفندان بگو گرگی به گله زد و یکی از آنها را خورد (و چون چنین چیزی مرسوم است، مالک گله نیز قبول خواهد کرد و مؤاخذه نمی‌شوی؛ در نتیجه بدون اینکه خطری متوجه تو شود، پول یک گوسفند نصیبت می‌شود).

چوپان گفت: ظاهراً تو در برابر خرج کردن دینت، خیلی بخشنده هستی. سپس با انگشتش به آسمان اشاره کرد و گفت: «فَإِنَّ اللَّهَ؟ پس خدا کجاست؟» (یعنی برای هر کسی حسابی باز کردی، من چوپان به پول مفت می‌رسم، شماها نیز از گوشت لذت استفاده می‌کنید؛ مالک نیز با توضیح دروغین من قانع می‌شود؛ ولی خدا چه می‌شود و چگونه باید پاسخ او را بدهم؟).<sup>۱</sup>

## ۲. سکوت

سکوت در مواردی که نیازی به سخن گفتن نیست، دومین نشانه عبد واقعی است. کلینی به سند صحیح، حدیثی بسیار مهم را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

شخصی محضر پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. حضرت از او پرسیدند: آیا می‌خواهی تو را به کاری راهنمایی کنم که بهای آن بهشت است؟ مرد پاسخ داد: بلی. حضرت فرمود: از آنچه خداوند به تو داده، انفاق کن و به دیگران بده. مرد گفت: اگر خودم نیازمندتر از دیگران باشم چه؟ حضرت فرمود: مظلومان را یاری کن. مرد گفت: اگر خودم ناتوان‌تر از آنها باشم چه؟ حضرت فرمود: افراد نادان را راهنمایی کن. مرد گفت: اگر خودم نادان‌تر از آنها باشم چه؟ فرمود: در این حالت، زبانت را جز در موارد خیر و نیک حفظ کن. سپس فرمود: آیا خوشنود نمی‌شوی که یکی از این خصلت‌ها را داشته باشی و باعث ورود تو به بهشت شود؟!<sup>۲</sup>

قدم برون مگذار از حصار خاموشی      که خواب امن بود در دیار خاموشی  
ز خامشی دهن غنچه مشکبو گردید      خوشا لبی که بُود مهردار خاموشی  
سفینه‌ای است که از دست داده لنگر را      سبکسری که ندارد وقار خاموشی<sup>۳</sup>

۱. عزالدین ابن‌اثیر جزری، أسد الغابة، ج ۳، ص ۲۳۷؛ احمد بن یحیی بلادری، أنساب الأشراف، ج ۱۰، ص ۴۵۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۳.

۳. صائب تبریزی.

### ۳. خوف

خوف واقعی که انسان را به گریه بکشاند، نشانه سوم عبودیت است. گاهی از خوف مثبت با عنوان خوف از خدا تعبیر می‌شود که بازگشتش به خوف از اعمال و کردار خودمان است. در دعای پس از زیارت امام رضا علیه السلام به خداوند عرض می‌کنیم: «جَلَلْتُ أُنِّي خَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ»<sup>۱</sup> خدایا، بزرگ‌تر از آن هستی که از خودت ترسیده شود؛ مگر از عدلت [در محاسبه اعمال خود ما].

### ۴. حیا

تأکیدی که در این روایت و روایات دیگر بر حیای در خلوت شده است، به این دلیل است که انسان غالباً در ملا عام برای حفظ موقعیت اجتماعی خود، از ارتکاب بسیاری افعال ناشایست خودداری می‌کند؛ ولی در خلوت به توهم اینکه تنهاست، با خیالی آسوده به انجام گناه می‌پردازد. به قول جامی:

در مقامی که کنی قصد گناه	گر کند کودکی از دور نگاه
شرم داری ز گناه در گذری	پرده عصمت خود را نداری
شرم بادت که خداوند جهان	که بود واقف اسرار نهان
بر تو باشد نظرش بی‌گه و گاه	تو کنی در نظرش قصد گناه

### ۵. کم‌خوری

نقش کلیدی کم‌خوری در سلامت جسم و به تبع آن سلامت روح، حقیقتی انکارناپذیر است. به ماجرای زیبایی که طبرسی نقل می‌کند، دقت نمایید:

روزی طبیب هارون الرشید که مردی مسیحی به نام «بختیشوع» بود، به عالم دربار یعنی علی بن حسین بن واقد گفت: آیا در قرآن شما چیزی از علم طب آمده است؛ درحالی که علم دوگونه است: علم ادیان و علم بدن‌ها. ابن‌واقد گفت: خداوند علم طب را در نیم‌آیه قرآن جمع کرده، آنجا که می‌فرماید: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا». پیامبرش نیز تمام علم طب را در چند کلمه جمع کرده است: «الْمَعِدَةُ بَيْتُ الدَّاءِ وَ الْحِمِيَةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ وَ أَعْطَى كُلَّ بَدَنٍ مَا عَوَّدَتْهُ: معدة، خانه دردهاست و پرهیز کردن، ریشه همه دواهاست و به هر بدنی، به مقداری که عادت کرده غذا بدهد».

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۵۶.

پزشک مسیحی گفت: کتاب شما و پیامبر شما، از طب چیزی فروگذار نکرده و برای جالینوس چیزی باقی نگذاشته‌اند.<sup>۱</sup>

## ۶. دشمنی با دنیا

کلینی فصلی را با عنوان «مذمت دنیا» منعقد می‌کند و در آن ۲۵ حدیث را ذکر کرده است. حدیث ششم با سند صحیح از امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است: «إِنَّ عَلَامَةَ الرَّاعِبِ فِي ثَوَابِ الْآخِرَةِ زُهْدُهُ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا أَمَّا إِنَّ زُهْدَ الرَّاهِدِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَا يَنْقُصُهُ مِمَّا قَسَمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ فِيهَا وَإِنْ زَهَدَ وَإِنْ حِرْصَ الْخَرِصِ عَلَى عَاجِلِ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لَا يَزِيدُهُ فِيهَا وَإِنْ حِرْصَ فَالْمُعْبُوءُ مَنْ حَرَّمَ حَظَّهُ مِنَ الْآخِرَةِ»<sup>۲</sup> نشانه کسی که خواهان پاداش آخرت است، بی‌رغبتی او به زرق و برق این دنیای گذراست. بدانید که زهد زاهد به این دنیا، چیزی از آنچه خداوند در دنیا قسمت او کرده نمی‌کاهد؛ هرچند خودش به آن بی‌میل باشد. و حریص انسان حریص به زرق و برق زندگی دنیا، چیزی [بیشتر از آنچه خداوند قسمت او کرده است] بر او نمی‌افزاید؛ هرچند حرص بورزد. پس زیان‌دیده واقعی کسی است که از بهره آخرتش محروم گردد».

خواننده توجه دارد که مقصود این‌گونه روایات، مذمت دنیایی است که انسان به طور مستقل به آن نگاه کند و برای رسیدن به آن از هر روزنه‌ای استفاده کند. بگذار هرچه داری و بگذر که هیچ نیست این پنج روز عمر، که مرگ از قفای اوست

## ۷. محبت اخیار

در میان جاذبه‌های مادی و پرزرق و برق دنیا، غالباً انسان‌ها به سراغ ایجاد رابطه دوستی با کسانی می‌روند که پیوند با آنها بتواند در کامجویی از مادیات مددکارشان باشد؛ ولی بندگان واقعی خداوند، پیوندهای دوستی خود را با خوبان و نیکان مستحکم می‌کنند تا به برکت انس و ارتباط با ایشان، گام‌های بیشتری در حرکت به سوی کمال بردارند. توجه داشته باشیم که نفع محبت و انس با نیکان به خودمان برمی‌گردد و برعکس، نداشتن چنین رابطه‌ای، ضررش متوجه خودمان می‌شود.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۳۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۹.

قطره را تا که به دریا جایی است پیش صاحب نظران دریایی است  
ور ز دریا به کنار آید زود شود آن قطره ناچیز که بود  
قطره دریاست اگر با دریاست ورنه او قطره و دریا دریاست<sup>۱</sup>

### سیره رفتاری اصحاب امام حسین علیه السلام

مروری بر آنچه در زندگی نامه اصحاب امام حسین علیه السلام آمده است، نشان می‌دهد افزون بر شجاعت کم نظیر و غیرت بی نظیر آن اولیای الهی، ویژگی‌های معنوی و معرفتی دیگری هم در برجسته شدن آنان مؤثر بوده است؛ از جمله عبودیت و عبادت.  
اکنون به نمونه‌هایی از تجلی عبودیت در شهیدان راه حسینی اشاره می‌کنیم.

#### ۱. همراهی تا پای جان

همراه شدن با امام علیه السلام و استقامت در ماجرای که پرخطر بودن آن از ابتدا معلوم بود، برجسته‌ترین شاهد برای اثبات عبودیت یاران حسینی است. امام علیه السلام شب قبل از حرکت از مکه به روشنی بیان کردند که نه تنها متاع مادی در این حرکت نیست، بلکه بذل جسم و جان، شرط این همراهی است:

«... كَانَتِي بِأَوْصَالِي تَتَقَطَّعُهَا عَسَلَانُ الْفُلُواتِ بَيْنَ النَّوَارِيسِ وَ كَرْبَلَاءَ فَيَمْلَأُنْ مِنِّي أَكْرَاشاً جَوْفًا وَ أَجْرِيَّةً سَغْبًا...: گویا می‌بینم گرگ‌های بیابان در زمینی بین نواریس و کربلا اعضای بدنم را پاره‌پاره کرده تا شکم‌های گرسنه خود را از من سیر کنند و انبان‌های خالی خود را پر نمایند.»  
«... مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مَوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيُرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحاً إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى: هر کسی آماده فداکاری و جانبازی در راه ماست و خود را برای ملاقات خداوند آماده نموده، با ما حرکت کند؛ که من به خواست خداوند متعال، فردا صبح کوچ خواهیم کرد»<sup>۲</sup>.

دنیا اگر به چشم لثیمان گران بهاست پاداش حق گران‌تر و برتر به نزد ماست  
گر بهر مرگ پیکر ما را سرشته‌اند در راه دوست کشته شدن افتخار ماست  
خطبه شب هشتم ذی‌حجه سبب شد افرادی اندک ولی با بصیرت کامل با انتخاب همراهی

۱. فخرالدین مزارعی.

۲. علی بن موسی ابن طاووس، لهوف، ص ۶۱.

سالار شهیدان علیه السلام، جلوه‌ای جاودانه از عبودیت حضرت حق را در دفتر بندگی خویش ثبت کنند؛ اما عده‌ای که در منازل بین راه به کاروان بندگان حقیقی خدا پیوسته بودند و گمان می‌کردند نامه‌های اهل کوفه به پیروزی ظاهری امام علیه السلام و تشکیل حکومت می‌انجامد، پس از رسیدن خبر شهادت جناب مسلم علیه السلام، از جاده عبودیت خارج شدند و دست از همراهی حجت خدا کشیدند.<sup>۱</sup>

عده اندکی از کوفیان مخلص - همچون حبيب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه - نیز که توانستند از لابلای محاصره شدید کوفه خود را به کربلا برسانند، به جمع قبول‌شدگان قبلی امتحان پرمشقت همراهی با امام حسین علیه السلام پیوستند و مجمعی کم‌جمعیت ولی با بصیرت کامل و عزمی راسخ تشکیل دادند و دانشگاه بی‌نظیری برای تعلیم درس عبودیت به جهانیان را تأسیس نمودند.

اصحاب سیدالشهداء علیه السلام با چشمی باز پای به وادی مرگ نهادند؛ چون می‌دانستند رضای مولای حقیقی و اصلی عالم یعنی خداوند متعال در این است که در همراهی با ولی‌اش باید تا پای جان ایستادگی کرد.

بنده آن باشد که بند خویش نیست      جز رضای خواجه‌اش در پیش نیست  
گر ببرد خواجه او را پا و دست      دست دیگر آورد که این نیز هست<sup>۲</sup>  
در نقطه مقابل، آنان که روح عبودیت در وجودشان نبود، از هر بهانه‌ای برای همراهی نکردن با حجت خدا استفاده می‌کردند و نامشان به زشتی در تاریخ ماندگار شد.

## ۲. عبادت و رازونیا

عبادت حضرت حق و رازونیا با معبود که جزئی جدایی‌ناپذیر از عبودیت است، در زندگی شهیدان راه حسینی جلوه‌ای پررنگ دارد. در ادامه به نمونه‌هایی از این مسئله اشاره می‌شود.

الف) عصر تاسوعا که محاصره کامل شده بود و نشانه‌های جنگ آشکار شد، حبيب بن مظاهر مقابل دشمن رفت و شروع به موعظه کرد و اصحاب امام علیه السلام را عابدان حقیقی معرفی نمود: «و الله لبئس القوم عند الله غداً قومٌ قتلوا ذرية نبیهم و عترته و عبادة أهل المصر»<sup>۳</sup> به خدا

۱. «وقد كان صحبه قوم من منازل الطريق، فلما سمعوا خبر مسلم، وقد كانوا ظنوا أنه يقدم على انصار و عضد، تفرقوا عنه. و لم يبق معه إلا خاصته» (احمد بن داود دینوری، الأخبار الطوال، ص ۲۴۸).

۲. ملا احمد نراقی، مثنوی طاق‌دیس.

۳. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۸۴.



سوگند، روز قیامت در پیشگاه الهی، بد مردمانی هستند کسانی که ذریه و عترت پیامبر و نیز بندگان صالح این شهر [کوفه] را می کشند».

ب) سید بن طاووس درباره شب عاشورا چنین می نویسد: «قَالَ الرَّاَوِيُّ: وَبَاتَ الْحُسَيْنُ ع وَ أَصْحَابُهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَلَهُمْ دَوَى كَدَوَى النَّحْلِ مَا بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ وَ قَائِمٍ وَ قَاعِدٍ: ۱ راوی گفت امام حسین علیه السلام و یارانش شب عاشورا تا به صبح به راز و نیاز و مناجات با خدا به سر آوردند و صدای ناله و زمزمه آنها همانند آوای بال زنبور عسل بود؛ بعضی در رکوع، بعضی در سجده و برخی ایستاده و برخی نشسته مشغول عبادت بودند».

ج) در حالات شهید برجسته عاشورا، جناب بُریر بن خضیر همدانی نوشته اند: «كَانَ مِنَ الزَّهَّادِ الَّذِينَ يَصُومُونَ النَّهَارَ وَيَقُومُونَ اللَّيْلَ: ۲ از زاهدانی بود که روزها روزه و شبها به نماز می ایستادند».

د) كِنَانَةُ بْنُ عَتِيقٍ شهید بزرگوار دیگر کربلا، از عابدان خوش نام و نشان کوفه بود. سماوی در معرفی این رزمنده سالخورده واقعه کربلا چنین می نویسد: «كَانَ كِنَانَةً بَطْلًا مِنْ أَبْطَالِ الْكُوفَةِ، وَ عَابِدًا مِنْ عِبَادِهَا، وَ قَارِنًا مِنْ قَرَاتِهَا، جَاءَ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الطُّفْلِ، وَ قَتَلَ بَيْنَ يَدَيْهِ: ۳ كِنَانَةَ شِجَاعِيٍّ مِنْ شِجَاعِ كُوفَةٍ وَ عَابِدِيٍّ مِنْ عِبَادِهَا، وَ يَكِيٍّ مِنْ قَرَاءٍ [و مفسران] آن شهر بود که در کربلا به امام حسین علیه السلام پیوست و در رکاب ایشان به شهادت رسید».

هـ) عابس بن اُبی شیب شاکری از مشاهیر شهیدان عاشوراست که افزون بر شجاعت فوق العاده، صفات برجسته دیگری از جمله عبادت و تهجد نیز در پرونده زندگی اش ثبت شده است: كان عابس من رجال الشيعة رئيساً شجاعاً خطيباً ناسكاً متهجداً. و كانت بنو شاکر من المخلصين بولاء أمير المؤمنين عليه السلام و فيهم يقول عليه السلام يوم صفين: "لو تمت عدتهم ألفاً لعبد الله حق عبادته". عابس از شیعیان نامدار و سرداری شجاع و خطیب و عابد و شب زنده دار بود. و بنی شاکر [قبیله عابس] از ارادتمندان خالص امیر مؤمنان علیه السلام به شمار می رفتند. و آن حضرت در توصیف شان فرمود: "اگر تعداد این گروه به هزار نفر می رسید، خدای متعال آن گونه که باید عبادت می شد". ۴.

۱. علی بن موسی ابن طاووس، لهوف، ص ۹۴.

۲. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسين عليه السلام، ج ۱، ص ۳۵۱.

۳. محمد بن طاهر سماوی، إِبْصَارُ الْعَيْنِ فِي أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، ص ۱۹۹.

۴. همان، ص ۱۲۶.

بر اساس آنچه در این نوشتار بیان شد، زیربنای فضایل و مناقب اولیای الهی اعم از انبیا و ائمه و شهیدان راه حسینی، موفقیت در آزمون عبودیت بوده است. بنابراین اگر کسی می‌خواهد از سویدای دل خطاب به اصحاب امام حسین علیه السلام بگوید: «یا لَیْتَنی کُنْتُ مَعْکُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِیماً»، باید عبودیت و مطیع حضرت حق بودن را در همه ابعاد زندگی خود جاری کند.

### کتاب‌نامه

۱. ابن اثیر جزری، عزالدین، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۱، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، ج ۱، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، لهوف، ج ۱، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۴۸ ش.
۴. امام رضا ۷، علی بن موسی، صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ج ۱، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۵. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ج ۱، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
۶. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۲، قم: انوار الهدی، ۱۴۲۳ ق.
۷. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، ج ۱، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۸. دینوری، احمد بن داود، الأخبار الطوال، ج ۱، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.
۹. سماوی، محمد بن طاهر، إِبصار العین فی أنصار الحسین علیه السلام، ج ۱، قم: دانشگاه شهید محلاتی، ۱۴۱۹ ق.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۷ ق.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (اصول، فروع، روضه)، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ ش.
۱۵. مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الإمامیة، ج ۲، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. نراقی، ملا احمد، مثنوی طاق‌دیس، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].